

بهزاد حمیدیه

نقد امامت پژوهی [دکتر محسن] کدیور (بخش هشتم)

به اهتمام

جمعی از دانشجویان دانشکده فنی

دانشگاه تهران

info@toraath.com

نقد امامت پژوهی [دکتر محسن] کدیور (بخش هشتم)

بهزاد حمیدیه، روزنامه‌ی رسالت شماره ۶۰۵۴، شنبه ۱۶ دی ۸۵

نقد مقاله‌ی «قرائت فراموش شده»؛ بازخوانی نظریه‌ی «علمای ابرار»، تلقی اولی اسلام

شیعی از اصل «امامت»، فصلنامه مدرس، سال اول، شماره سوم، اردیبهشت ۸۵

و اما شاهد سومی که دکتر محسن کدیور آورده‌اند<sup>۱</sup> تا نشان دهند جریانی در قرون اولیه غالب بوده که ائمه را با صفات «بشری» می‌شناخته است بدین قرار است:

شاهد سوم

دکتر محسن کدیور گزارش می‌کنند که زین‌الدین بن علی، مشهور به شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) در رساله‌ی «حقایق الایمان» یا «حقیقه الایمان و الکفر» نگاشته به سال ۹۴۵ در مبحث سوم از خاتمه‌ی کتاب (صص ۱۴۹-۱۵۱)، اصل چهارمی که تحقیق وابسته بدان است را چنین شرح می‌دهد: «... بنابراین آنچه از حال راویان و شیعیان معاصر ائمه در احادیثشان ظاهر می‌شود، بسیاری از ایشان به عصمت ائمه اعتقاد نداشته‌اند، به واسطه‌ی مخفی ماندن این امر از آن‌ها، بلکه معتقد بودند که ائمه، علمای ابرار هستند. این مطلب، از تتبع سیره و احادیث ائمه دانسته می‌شود و در کتاب ابو عمرو کشی [متوفی ۳۸۵] یعنی کتاب اختیار معرفة الرجال که توسط شیخ طوسی از کتاب کشی گزینش شده است] مطالبی است که باعث اطلاع بر این امر می‌شود، با این‌که از سیره ائمه با ایشان این است که ائمه به ایشان، بلکه عدالت این افراد حکم می‌کرده‌اند.»

ابتدائاً و پیش از نقد علی‌حده‌ی هر یک از نتایج، ملاحظاتی بر کلیت استناد و استشهاد جناب آقای محسن کدیور به سخن شهید ثانی (ره) وارد است:

---

۱ - نشریه مدرس، شماره ۳، اردیبهشت ۱۳۸۵، صص ۱۰۲-۹۲

۱- عبارت شهید ثانی، «فإن كثيراً منهم ما كانوا يعتقدون عصمتهم»<sup>۱</sup> سخن از عده‌ای بسیار دارد نه از بیشتر افراد. روشن است که برای اثبات غلبه و سیطره‌ی رویکرد «بشری» به امامت در قرون اولیه باید عبارت چنین می‌بود: (فإن أكثرهم ما كانوا ...) به نظر می‌رسد دکتر محسن کدیور در بزرگ‌نمایی «رویکرد بشری به امامت» در قرون اولیه، راه غلو را پیموده‌اند.

۲- گزارش شهید ثانی، مبنی بر این‌که کثیری از اصحاب ائمه، به عصمت آنان قائل نبوده‌اند، با گزارش رجالیونی نظیر مرحوم آیت‌الله وحید بهبهانی که پیش‌تر گذشت، مبنی بر قائل بودن آنان به مرتبه‌ای از عصمت، ناسازگار است. این تعارض را جناب کدیور با نادرست خواندن گزارش آیت‌الله وحید بهبهانی فیصله داد. یگانه دلیل ایشان آن است که عصمت، مقول به تشکیک نیست تا دارای مراتب مختلفی باشد. اما باید اذعان داشت که تشکیک در عصمت، امری بعید و ناموجه نیست، زیرا مشاهده می‌شود که عصمت نسبت به محرمات، مکروهات، ترک اولی، سهو و نسیان هر یک مرتبه‌ای فراتر از مرتبه قبل است. بنابراین، وجه جمع عرفی میان دو گزارش فوق‌الذکر به این است که عدم اعتقاد به عصمت ائمه که شهید ثانی گزارش کرده است به نفی و انکار مرتبه‌ای از عصمت (هم‌چنان‌که وحید بهبهانی گزارش کرده است) حمل شود (حمل مطلق بر مقید).

۳- مشخص نیست که چرا دکتر محسن کدیور، تنها به بخشی از گزارش شهید ثانی توجه می‌نماید و از بخش دیگر تغافل می‌ورزد. شهید ثانی بیان می‌کند که ائمه به عدالت افراد مزبور که قائل به عصمت آنان نبوده‌اند، از این روی حکم کرده‌اند که امر، مخفی بوده است و آن اصحاب در یادگیری و دریافت حق مسأله، کوتاهی ننموده‌اند. بنابراین شهید ثانی که به عنوان متخصص تاریخ صدر اسلام و متخصص علم رجال، مورد استناد دکتر کدیور قرار گرفته است، به طور ضمنی گزارش می‌کند که مسأله‌ی «صفات فرابشری» ائمه، مستند به خود ائمه است و اصحابی که به ائمه نزدیک‌تر بوده‌اند بدان صفات اعتقاد داشته‌اند اما به جهت جو و شرایط سیاسی - اجتماعی زمان، مسأله‌ی مزبور را از دیگر اصحاب

---

۱ - شهید ثانی، حقایق الایمان، در نسخه چاپ سنگی به ضمیمه کشف الفوائد علامه حلی و معانی بعض الاخبار صدوق

و دیگر مردمان مخفی نگاه داشته‌اند و این عبارت از همان تقیه است که سخت مورد دستور ائمه علیهم‌السلام بوده است. در واقع شهید ثانی دو گزارش تاریخی را ارائه کرده است: عدم اعتقاد کثیری از اصحاب ائمه به عصمت ایشان و این که آبشخور اعتقاد به صفاتی نظیر عصمت، خود ائمه علیهم‌السلام بوده‌اند. دکتر کدیور، شهید ثانی را در گزارش نکته اول، متخصصی قابل اعتماد دانسته اما در گزارش نکته دوم به هیچ نمی‌گیرد! با آن که هر دو امر، توصیفی تاریخی‌اند نه تحلیل من‌عندی که بتوان به جهت خطای تحلیل‌گر، آن را رد نمود.

ادامه‌ی نقد و بررسی شاهد سوم را در شماره‌ی بعد ملاحظه خواهید فرمود.